

The Effect of Competition and Comparison on Children's Education

Maryam Jafari Nadushan  / Level 3 in Jurisprudence and Principles, Qoba Specialized Center m.nodooshan@gmail.com
Received: 2024/01/15 - Accepted: 2024/05/07

Abstract

God has combined the first period of human development with play. While playing, children can imitate the adults. Playing is one of the ways children learn how to interact. Competitive games in particular are very attractive to children and, if done correctly, can be effective in their physical development and can improve their basic skills and social relationships. However, comparing children's talents with one another may have the opposite result. This article seeks to examine the effect of competition and comparison on children's education and explain its advantages and disadvantages. If done correctly, competition helps children better understand their abilities, and this will certainly come in handy throughout their lives. Children's competition with each other has a profound effect on the development of their personality. However, God has created each human being unique and for a specific purpose. In fact, every human being has his/her own abilities and talents, and comparing people with each other is wrong. Comparing children with one another negatively affects their upbringing. It does not contribute to their growth and development, but rather hinders their self-realization. One of the most common wrong beliefs and behaviors in society is comparing children with one another.

Keywords: influence, upbringing, children, competition, comparison, parents.

نوع مقاله: ترویجی

تأثیر مسابقه و مقایسه بر تربیت کودکان

m.nodooshan@gmail.com

مریم جعفری ندوشن / ID / سطح ۳ فقه و اصول مرکز تخصصی قبا

پذیرش: ۱۴۰۳/۰۲/۱۸

دریافت: ۱۴۰۲/۱۰/۲۵

چکیده

خداوند نخستین دوره رشد انسان را با بازی توأم نموده تا در ضمن بازی بتواند کار بزرگترها را تقلید کند، یکی از راه‌های تعامل کودکان بازی است. بخصوص بازی‌های رقابتی و مسابقه‌ای برای آنان جذابیت زیادی دارند و اگر به درستی انجام شوند، می‌توانند بر رشد جسمانی و بهبود مهارت‌های پایه و روابط اجتماعی آنان مؤثر باشد، در حالی که مقایسه استعدادها و کودکان با یکدیگر ممکن است نتیجه عکس را داشته باشد. مقاله در صدد است به بررسی تأثیر مسابقه و مقایسه بر تربیت کودکان پرداخته و محاسن و معایب آن بر روند رشد و تربیت کودکان را بیان نماید. مسابقه و رقابت در شرایط درست به کودکان کمک می‌کند تا توانایی‌های خود را بهتر بشناسند، توانایی‌هایی که در طول زندگی مطمئناً به دردشان می‌خورد. رقابت کودکان با یکدیگر تأثیر عمیقی بر رشد شخصیت آنها می‌گذارد. با این حال، خداوند هر انسانی را منحصر به فرد و برای هدفی خاص آفریده است. در واقع هر انسانی توانایی‌ها و استعدادها مختص به خود را دارد و مقایسه افراد با یکدیگر غیر اصولی می‌باشد. مقایسه فرزندان با دیگران نیز رفتاری اشتباه در قبال کودکان و تربیت آنان است که نه تنها موجب رشد و شکوفایی کودک نشده، بلکه با اثرات نامطلوبی که به جا می‌گذارد مانع خودشکوفایی کودکان می‌شود. یکی از رایج‌ترین و اشتباه‌ترین باورها و رفتارهایی که در جامعه به عنوان یک روش تربیتی مورد استفاده قرار می‌گیرد، مقایسه کردن فرزندان با دیگران است.

کلیدواژه‌ها: تأثیر، تربیت، کودکان، مسابقه، مقایسه، والدین.

مقدمه

روی رشد و توسعه کودکان پیدا کنیم. برخی از نقاطی که می‌توان در تحقیقات مرتبط با این موضوع مورد بررسی قرار داد عبارتند از:

اعتماد به نفس: بررسی نحوه تأثیر رقابت بر اعتماد به نفس کودکان می‌تواند مفید باشد. آیا رقابت می‌تواند به ارتقای اعتماد به نفس کودکان کمک کند یا به آن ضربه بزند؟

خلاقیت: بررسی تأثیر رقابت بر خلاقیت کودکان نیز از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. آیا رقابت می‌تواند انگیزه خلاقیت را در کودکان افزایش دهد یا به آن ضربه بزند؟

روابط اجتماعی: بررسی نقش رقابت در شکل‌گیری و تقویت روابط اجتماعی کودکان نیز می‌تواند جالب و حائز اهمیت باشد. آیا رقابت می‌تواند به فراهم آوردن فرصت‌های اجتماعی و بهبود روابط کودکان کمک کند یا به آن ضربه بزند؟

استرس و فشار: بررسی تأثیر رقابت بر سطح استرس و فشار روانی کودکان نیز از اهمیت است. آیا رقابت می‌تواند به افزایش استرس و فشار کودکان منجر شود یا به کاهش آن کمک کند؟

تحقیقات در مورد اثر تربیتی مسابقه و مقایسه بر کودکان به طور گسترده‌ای انجام شده است. این تحقیقات در حوزه‌های مختلفی از جمله روان‌شناسی، علوم تربیتی و علوم اجتماعی صورت گرفته، اما اثری که به صورت مستقل به آن پرداخته شده باشد در دسترس نیست. با این حال کتاب‌هایی نگاشته شده که به صورت مختصر به این مسئله اشاره کرده است از جمله: *سبک‌های ارتباطی والدین با فرزندان* (احمدی، ۱۳۹۱)، نویسنده به شیوه‌های ارتباطی والدین پرداخته و در بخشی از کتاب به صورت جزئی به مسئله رقابت و مقایسه کودکان اشاره کرده است. *اصول برقراری رابطه انسانی با کودک و نوجوان* (به‌پژوه، ۱۳۹۷)، نویسنده در کتاب به راه‌های برقراری ارتباط با کودکان پرداخته، اما کمتر به مسئله مورد بحث اشاره داشته است. کتاب *گفتارهایی در رابطه با روابط والدین با فرزندان* (جوهری، ۱۳۵۶)، نویسنده در این کتاب هم به راه‌کارهایی در رابطه با روابط والدین با فرزندان پرداخته و مختصری در مورد این مسئله بیان کرده است. همچنین می‌توان به پژوهش *روانشناسی کودک* (جعفری گلستان، ۱۳۹۶) اشاره کرد. این موارد تنها چند نمونه از کتاب‌ها و مقالاتی هستند که در زمینه اثر تربیتی مسابقه و مقایسه در کودکان نگاشته شده‌اند.

از مهم‌ترین مسائل تعلیم و تربیت، شناخت عوامل و راه‌های مؤثر آن است، تا در پرتو آن آموزش و تربیت به‌درستی و به‌طور مطلوب تأمین شود. برای موفقیت و دستیابی و توفیق در امر تربیت، شناسایی مراحل شیوه‌های آن مهم است که با توجه به سن کودک باید مورد توجه قرار گیرد. در این قسمت به توضیح مسئله، ضرورت پژوهش حاضر، پیشینه پژوهش و روش آن پرداخته شده است.

مقایسه و مسابقه دو عاملی هستند که می‌توانند تأثیر قابل توجهی در تربیت کودکان داشته باشند. در جامعه‌ای که رقابت و مقایسه بیش از حد مورد توجه قرار می‌گیرد، برخی والدین ممکن است به فکر این باشند که با مقایسه کودک خود با دیگران و تحت فشار قرار دادن او در مسابقات، به او انگیزه و انضباط را یاد دهند. اما این رویکرد ممکن است منجر به آسیب‌های روانی و اجتماعی برای کودکان شود. از یک سو، مقایسه ممکن است باعث ایجاد احساس ناکارآمدی، کمبود عزت نفس و استرس در کودکان شود. زمانی که کودکان متوجه می‌شوند که برای دستیابی به توانایی‌ها و موفقیت‌های خود با دیگران مقایسه می‌شوند، ممکن است احساس ناکافی بودن و ناراضی بودن از خود داشته باشند. این احساسات منفی می‌توانند به کاهش اعتماد به نفس، افزایش استرس و اضطراب و حتی ایجاد مشکلات روانی در آینده منجر شوند. از سوی دیگر، مسابقه ممکن است باعث فرسودگی و خستگی زودرس کودکان شود. زمانی که کودکان مدام درگیر مسابقات و رقابت‌ها هستند، فرصت کافی برای استراحت، بازی و خلاقیت کم می‌شود. این می‌تواند منجر به کاهش انگیزه و علاقه به یادگیری و تجربه‌های جدید شود و کودکان را از لذت بردن از فرایند یادگیری و استفاده از خلاقیت خود باز دارد. بنابراین، مسئله مورد بحث در اینجا این است که تأثیر مقایسه و مسابقه در تربیت کودکان چگونه است؟ آیا مقایسه و مسابقه می‌تواند به توسعه مهارت‌ها و موفقیت کودکان کمک کنند، یا آیا آنها می‌توانند آسیب‌های روانی و اجتماعی به کودکان وارد کنند؟ بررسی تأثیر این دو عامل در تربیت کودکان می‌تواند به والدین و مربیان کمک کند تا رویکردهای بهتری در تربیت و پرورش کودکان داشته باشند؟

تحقیق در مورد اثر تربیتی مسابقه و مقایسه در کودکان می‌تواند به ما کمک کند تا درک بهتری از تأثیرات مثبت و منفی رقابت بر

۱. مفهوم‌شناسی

۱-۱. تربیت

چنین نقل کرده است و دیگری پیش افتادن در هدف که از دومین آیه مورد اشاره، در جریان یوسف و زلیخا به دست می‌آید و معنای سوم، عبور کردن و گذشتن است که از سومین آیه استفاده می‌شود (ابن‌منظور، ۱۴۰۸ق، ج ۱۰، ص ۱۵۲). همان‌گونه که می‌بینید در معنای اول و دوم، مفهوم «مسابقه» و سبقت نهفته است.

۱-۳. مقایسه

دو چیز را با هم سنجیدن، دو کار یا دو چیز را با هم اندازه گرفتن. ۱. (مصدر) قیاس کردن با هم سنجیدن دو چیز را. ۲. (اسم) سنجش کلمه «مقایسه» در زبان فارسی به معنای بررسی و سنجش شباهت‌ها و تفاوت‌ها بین دو یا چند چیز است (معین، ۱۳۶۰، ماده سبق).

۲. اهمیت بازی و مسابقه برای کودکان

یکی از راه‌های تعامل کودکان بازی است. بخصوص بازی‌های رقابتی و مسابقه‌ای برای آنان جذابیت زیادی دارند و اگر به‌درستی انجام شوند، می‌توانند بر رشد جسمانی و بهبود مهارت‌های پایه و روابط اجتماعی دانش‌آموزان مؤثر باشند.

بازی مؤثرترین و پرمعناترین راه یادگیری کودکان است و جبران آن از طریق دیگر امکان‌پذیر نیست. اگرچه بازی منبع غنی آموزشی برای کودک و عاملی مهم و مؤثر در رشد و شکوفایی استعدادها و او به شمار می‌رود، اما بعضی از والدین، کودکان را از آن منع می‌کنند. آنها کمتر به این نکته توجه دارند که ممکن است کم بازی کردن، کودک را از بسیاری موفقیت‌های یادگیری محروم کند. شاید آنها از این نکته غافلند که بازی‌ها فرصت‌هایی را به وجود می‌آورند تا کودکان با مقررات و ضوابط زندگی آشنا شوند و روح سازگاری در آنها پدید آید. کودک هنگام بازی، مفاهیم همکاری، پیروزی، شکست، برتری‌طلبی، و رقابت را یاد می‌گیرد. بنابراین، بسیاری از آموزش‌های تربیتی را می‌توان از طریق بازی‌ها به کودک نشان داد و به‌راحتی او را در مسیر تربیت رهبری کرد.

بازی از نظر پیازه عبارت است از: اولویت درون‌سازی نسبت به برون‌سازی. پیازه شناخت آدمی را به شکل ویژه‌ای از سازگاری زیستی ارگانیسم پیچیده با محیط پیچیده می‌داند که به کمک دو فرایند مربوط به هم، یعنی «درون‌سازی» و «برون‌سازی» صورت می‌گیرد. در فرایند درون‌سازی، انسان به طور مدام اطلاعاتی را از

واژه تربیت از ریشه «ربو» به معنای فزونی، رشد و برآمدن، گرفته شده و در اصطلاح به معنای ایجاد زمینه‌ای مناسب برای پرورش استعدادها و روحانی و هدایت آنها در جهت مطلوب، ضمن جلوگیری از کج‌روی‌ها و ناهنجاری‌هاست. امروزه تربیت فرزندان، از دشوارترین، حساس‌ترین و پرمهم‌ترین وظایف بشری به ویژه والدین است که نتیجه نهایی آن، هم به خانواده و هم به جامعه بازمی‌گردد. پدر و مادر که پدیدآورندگان کودک هستند، باید در زمینه سازندگی ایشان، بهترین و سودمندترین سرمایه‌گذاری را انجام دهند تا با تربیت صحیح فرزندان خود و تحویل آنان به جامعه، نقش‌آفرینان مؤثری باشند. والدین باید جنبه معنوی و الهی را در تربیت کودک در نظر بگیرند و به پرورش استقلال فکری و ایجاد خودباوری در کودکان توجه کنند (جوهری، ۱۳۵۶، ص ۲۳).

۱-۲. مسابقه

«سبق» به معنای پیشی گرفتن بر یکدیگر در دویدن، تاختن، جنگیدن و... است (معین، ۱۳۶۰، ماده سبق). با بررسی در لغت پی می‌بریم که به گونه‌ای در این واژه، مفهوم رقابت، پیشتازی و پیش‌آهنگی نهفته است، که در برابر آن «لحوق» به معنای پیوستن قرار دارد. در زمینه‌های مختلف علمی، فکری، ورزشی و... آن بازیکنی که جلو می‌افتد و زودتر از دیگران به مقصد از پیش تعیین شده می‌رسد و بر رقیب پیروز می‌شود، سابق و پیشتاز گفته می‌شود که در فارسی می‌گویند: گوی سبقت را از دیگران ربود. این واژه در قرآن کریم و احادیث، دارای کاربردهای گوناگونی است: در قرآن، آنجا که برادران یوسف در بیان چگونگی کار خویش می‌گویند: «إِنَّا ذَهَبْنَا نَسْتَبِقُ وَتَرَكْنَا يُوسُفَ عِنْدَ مَتَاعِنَا» (یوسف: ۱۷)، یعنی: گفتند ای پدر! ما به مسابقه رفته بودیم و یوسف را پیش کالای خود گذاشته بودیم. در جریان یوسف و زلیخا چنین می‌خوانیم: «و استبقا الباب» (یوسف: ۲۵)؛ هر دو (یوسف و زلیخا) به طرف در دویدند. در بیان صراط در روز قیامت این‌گونه می‌فرماید: «فاستبقوا الصراط» (یس: ۶۶)، یعنی: پس شتابان آهنگ صراط می‌کنند. ابن‌منظور می‌گوید: «استباق» پیشی گرفتن، در قرآن به سه معنا به کار رفته است: یکی، تیراندازی که در آیه نخست، از زبان فرزندان یعقوب

دوم، بنده فرمان‌بردار و مطیع پدر و مادر است و هفت سال سوم، سن نظرخواهی و مشورت» (قمی، ۱۴۱۶ق، ج ۸، ص ۵۸۰).

بازی در هفت سال اول زندگی، از نظر اسلام، تمرینی است برای ورود به مرحله دوم رشد؛ یعنی مرحله اطاعت. به دلیل نقش و اهمیتی که بازی در این مرحله دارد و با توجه به اینکه بازی رفتار اصلی کودک در این دوره است، این دوره را مرحله بازی نامیده‌اند. از هفت سالگی به بعد تغییرات مهمی در جسم و روان کودک پدید می‌آید، بدین معنا که حرکات و رفتار از پختگی خاصی برخوردار می‌شود. از نظر روانی و ذهنی هم به اندازه کافی رشد می‌کند و خوب و بد را می‌فهمد، ولی هنوز هم در انتخاب راه زندگی و هدف‌های معقول پختگی لازم را ندارد. امروزه ثابت شده که کودکان در سنین هفت تا چهارده سالگی به علت درک و فهمی که از ناتوانی‌های جسمی و روانی خویش در برابر بزرگترها دارند، دارای حالت و روحیه پذیرفتن دستورها و اطاعت از بزرگ‌ترها - به ویژه والدین خود - هستند. افزون بر این حالت تسلیم‌گونه، دوست دارند از بزرگ‌ترها تقلید کنند و از ابراز متابعت و پیروی از دیگران احساس لذت می‌کنند (جهانگرد، ۱۳۷۹، ص ۴۵).

در روایات متعدد خطاب به والدین آمده است که به کودکان فرصت دهید تا بازی کنند. صریح‌ترین روایت در این باره از وجود مبارک امام صادق علیه السلام رسیده است که فرمود: «فرزند خود را هفت سال آزاد بگذار بازی کند.» امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرموده است: «هرکس کودکی دارد، باید برای او کودک شود و به بازی و تفریح با وی بپردازد» (حرعاملی، ۱۴۱۲ق، ص ۲۰۳). رسول خدا صلی الله علیه و آله نیز فرموده: «هر کس در نزدش کودکی است (سرپرستی و تربیت کودکی را برعهده دارد) باید رفتارهای متناسب با کودک انجام داده و خود را به صورت هم بازی برای او در آورد» (حرعاملی، ۱۴۱۲ق، ج ۲۱، ص ۴۸۶).

این احادیث بر این واقعیت تأکید دارند که دنیای کودکی با دنیای بزرگسالی متفاوت است و مریدان باید این دوران رشد را درک کنند و به کودکان اجازه دهند که بازی کنند (شجاعی، ۱۳۸۳، ص ۲۸).

۳. اثر تربیتی ایجاد مسابقه بین کودکان

مسابقه و رقابت در شرایط درست به کودکان کمک می‌کند تا توانایی‌های خود را بهتر بشناسند، توانایی‌هایی که در طول زندگی مطمئناً به دردشان می‌خورد. اما برای بعضی از والدین «مسابقه»

جهان خارج می‌گیرد و آن را با آنچه از گذشته در ذهن خود تنظیم کرده است تطبیق می‌دهد. افزون بر آن، هرگاه اطلاعات تنظیم‌شده به طور کامل با دانش در حال رشد او تطبیق نکند، آنها را اصلاح می‌کند. این فرایند را «برون‌سازی» می‌نامند. به طور خلاصه، درون‌سازی ناظر است بر فرایند انطباق محرک‌های خارجی با ساختارهای ذهنی درونی. در حالی که برون‌سازی بر فرایند مکمل و معکوس سازگار ساختن ساختارهای ذهن خود با ساختار محرک‌های بیرونی دلالت دارد (فلائل، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۲۰). از نظر پیاژه، بازی راهی است برای دسترسی به جهان برون و لمس آن، به گونه‌ای که با وضع کنونی فرد مطابقت کند. کودکی که در بازی وانمود می‌کند تکه چوب، یک قایق است، تکه چوب را به مفهوم خود از قایق درون‌سازی کرده و آنها را در ساختار ذهنی خود از قایق وارد ساخته است (شجاعی، ۱۳۸۳، ص ۲۸).

البته باید به این مطلب توجه نمود که اگرچه بازی‌ها برای کودکان بهترین روش طبیعی جهت کسب مهارت‌ها و ورزشی برای مقابله با مشکلات زندگی هستند. اما اگر به طور مستمر با نگاه صرفاً رقابتی انجام شوند یکی از تبعات این بازی‌های رقابتی، تقویت منش و فرهنگی است که در آن افراد در بزرگسالی، خواسته یا ناخواسته، با انگیزه‌ی رقابتی زندگی می‌کنند (مروجی، ۱۳۹۵).

بازی کودکان پیش‌تمرین و روش آماده شدن برای زندگی واقعی است. کودکان فراز و نشیب‌های زندگی واقعی، احساسات، عواطف و حتی آموزش‌هایی را که باید در زندگی واقعی داشته باشند، باید در زندگی واقعی داشته باشند، درون بازی یاد می‌گیرند و تجربه می‌کنند. بازی موجب می‌شود که بچه‌ها بتوانند انرژی متراکم و باقی‌مانده در روان خودشان را تخلیه کنند و عواطف و احساسات خود را از این راه ابراز کنند.

در نظریه تربیتی اسلام، مراحل رشد و تربیت کودک و نوجوان به سه دوره هفت ساله تقسیم شده است. در این تقسیم‌بندی که تقریباً مسلم‌ترین تقسیم‌بندی اسلام درباره مراحل رشد و تربیت کودک است، مرحله‌ی در رشد کودک پیش‌بینی شده و متناسب با آن، چگونگی برخورد مربی با هریک از مراحل مشخص شده است. رسول اکرم صلی الله علیه و آله مراحل رشد و تربیت کودک را در حدیثی به صراحت به سه دوره هفت ساله تقسیم بندی کرده است: «فرزند آدمی در هفت سال اول زندگی، آقا و سید پدر و مادر است (دوره سیادت). در هفت سال

و شادی خود نمی‌کنند. احساس همبستگی و انسجام در گروه به وجود می‌آید که امکان ادامه فعالیت را به گروه می‌دهد. احساس شادی و بازی‌های سرگرم‌کننده و جذاب باعث ایجاد انگیزه و شادابی دانش‌آموزان می‌شود و روی یادگیری بهتر آنها مؤثر است (گادسون و چارل، ۱۳۹۳، ص ۱۵۶).

۵. مزایای احتمالی رقابت

رقابت یکی از عوامل مهم در زندگی انسان‌هاست و باعث تحرک و پیشرفت شخصی و اجتماعی می‌شود. رقابت در کودکی نیز می‌تواند به عنوان یکی از ابزارهای آموزشی برای آماده‌سازی کودکان برای مواجهه با موقعیت‌های مختلف در زندگی واقعی مورد استفاده قرار گیرد.

اولین مزیتی که رقابت برای کودکان دارد، افزایش اعتماد به نفس آنهاست. هنگامی که کودکان در رقابت با دیگران شرکت می‌کنند، آنها یاد می‌گیرند که چگونه با فشار و استرس مواجه شوند و با موفقیت از آن خارج شوند. این تجربه به کودکان کمک می‌کند تا اعتماد به نفس بیشتری به خود داشته باشند و از توانایی‌های خود مطمئن‌تر شوند.

دومین مزیت رقابت، یادگیری همکاری و تعامل با دیگران است. در رقابت، کودکان با دیگران به رقابت می‌پردازند و باید با همکاری و تعامل با دیگران، به هدف خود برسند. این تجربه به کودکان یاد می‌دهد که چگونه با دیگران همکاری کنند و برای رسیدن به هدف مشترک، با همکاری و تعامل، بهترین عملکرد را از خود نشان دهند. سومین مزیت رقابت، تقویت مهارت‌های اجتماعی است. در رقابت، کودکان با دیگران در ارتباط هستند و باید مهارت‌های اجتماعی مثل ارتباط برقرار کردن، احترام گذاشتن به دیگران، قوانین رعایت کردن و... را تقویت کنند. این مهارت‌های اجتماعی به آنها کمک می‌کند تا در زندگی روزمره خود، با دیگران بهتر ارتباط برقرار کنند.

بنابراین، رقابت برای کودکان می‌تواند یکی از ابزارهای آموزشی مؤثر برای آماده‌سازی آنها برای مواجهه با موقعیت‌های مختلف در زندگی واقعی باشد. این تجربه به آنها کمک می‌کند تا اعتماد به نفس بیشتری به خود داشته باشند، همکاری و تعامل با دیگران را یاد بگیرند و مهارت‌های اجتماعی خود را تقویت کنند.

کلمه چندان خوشایندی نیست. آنها معتقدند این کلمه نه تنها فشار بیش از حد به کودکان وارد می‌کند تا بهترین باشند، بلکه باعث می‌شود آنها با هم‌سن و سال‌های خود درگیر شوند و دعوا کنند. نظر بعضی از پدر و مادرها این است که مسابقه استرس زیادی به کودک وارد می‌کند و شکست در آن فرزندشان را ناامید می‌کند. برای همین خیلی از پدر و مادرها در پایان مسابقه همه را برنده اعلام می‌کنند یا اینکه سعی می‌کنند شرایط رقابت کمتری در مسابقه حاکم باشد. رقابت کودکان با یکدیگر تأثیر عمیقی بر رشد شخصیت آنها می‌گذارد. اگر کودکان به دلیل رفتار ناعادلانه والدین نتوانند موقعیت و برتری خود را با رفتار مثبت حفظ کنند، ممکن است از طریق دیگری عمل نمایند (فرهادیان، ۱۳۷۸، ص ۶۳). بسیاری از متخصصان پرورش کودک بر این عقیده‌اند که رقابت سالم برای کودکان مفید است. علاوه بر اینکه رقابت سالم، آنها را برای برد و باخت‌های زندگی آماده می‌کند، بلکه این امکان را به آنها می‌دهد تا در زندگی آینده‌شان مهارت‌هایی مانند رعایت نوبت، احساس همدردی با دیگران و با اراده بودن را بیاموزند.

۴. فواید و مزایای بازی‌های مسابقه‌ای

تمرینات جسمی مطلوب و متناسب با سن و سال برای تقویت عضلات و حرکات درشت و ظریف کودکان. بچه‌های امروزی به دلیل جذابیت تلویزیون، تبلت، گوشی همراه و بازی‌های رایانه‌ای وقت کمتری را صرف بازی غیررسمی خارج از خانه می‌کنند و این تا اندازه‌ای مایه نگرانی والدین است. بازی‌های رقابتی باعث می‌شوند که کودکان تمایل کمتری به بازی‌های تک‌نفره رایانه‌ای و گوشی همراه نشان دهند. این بازی‌ها باعث پیشرفت کودکان در درک کردن نقطه‌نظر دیگران بخصوص توانایی درک نقش‌های چندین بازیکن در یک بازی می‌شود. امکان درک قواعد بازی‌های قانونمند و رشد هوش منطقی ریاضی این تجربیات بازی به نوبه خود مقدار زیادی به رشد هوش هیجانی و اجتماعی کمک می‌کنند. برای کودکان مشکل است که در مورد احساساتشان با دیگران صحبت کنند، اما در چارچوب بازی جو و فضایی وجود دارد که کودکان احساس نمی‌کنند که تهدیدآمیز است و قادر به بیان و نشان دادن درونیات خود به راحتی هستند. توانایی بیان هیجانات در یک محیط ایمن از نظر درمانی برای کودکان و همچنین بزرگسالان سودمند است. کودکان احساس تنهایی در رنج

۶. چالش‌ها و مشکلات بازی‌های مسابقه‌ای

بازی‌های رقابتی کودکان با وجود تمام مزایای آن با چالش‌ها و مشکلاتی هم ممکن است همراه باشد. رقابت ممکن است موجب تنش شود. عدم تناسب مهارت کودک با سطح بازی ممکن است بر اعتماد به نفس او تأثیر منفی بگذارد و او را بی‌علاقه کند. بازی‌های رقابتی می‌تواند در تقویت جسمانی کودکان و مهارت‌های اجتماعی آنها مؤثر باشد، اما کودکانی که زود هنگام به تیم‌هایی ملحق می‌شوند که به مهارت‌های فراتر از توانایی‌های آنها نیاز دارند، طولی نمی‌کشد که علاقه خود را از دست می‌دهند و شاید اعتماد به نفس آنها لطمه ببیند. مربیان و والدینی که به جای ترغیب کردن انتقاد می‌کنند و با عصبانیت به باخت واکنش نشان می‌دهند، اضطراب شدیدی را در برخی کودکان ایجاد می‌کنند و زمینه را برای مشکلات هیجانی و کنار کشیدن زود هنگام از ورزش مهیا می‌سازند.

باید توجه شود که رقابت در بازی به طور سالم مدیریت شود و از ایجاد روابط خصمانه در بین همسالان جلوگیری شود. رقابت نباید منجر به مقایسه بین کودکان شود؛ زیرا می‌تواند آسیب‌های جبران‌ناپذیری بر رده شخصیت اجتماعی و تربیت کودک در آینده وارد نماید.

۷. معایب احتمالی رقابت

رقابت بین کودکان می‌تواند باعث بروز مشکلات زیر شود:

۷-۱. کاهش اعتماد به نفس

رقابت بین کودکان ممکن است باعث کاهش اعتماد به نفس کودکان شود، بخصوص زمانی که کودکان در مواجهه با دیگران به عنوان بازنده احساس می‌کنند. این مشکل می‌تواند باعث کاهش اعتماد به نفس آنها شود و در نتیجه منجر به عدم انجام وظایف یا فعالیت‌هایی شود که لازم است آنها را انجام دهند.

۷-۲. تضعیف روابط اجتماعی

رقابت بین کودکان ممکن است باعث تضعیف روابط اجتماعی آنها شود. برای مثال، اگر یک کودک به عنوان بازنده در یک رقابت شرکت کند، ممکن است احساس شکست و ناراحتی کند و به همین دلیل، از برقراری روابط اجتماعی با دیگر کودکان خودداری کند.

۷-۳. افزایش استرس

رقابت بین کودکان ممکن است باعث افزایش استرس و فشار روانی آنها شود. بخصوص زمانی که کودکان احساس می‌کنند که باید برای برنده شدن در رقابت، بیش از حد تلاش کنند این مشکل می‌تواند باعث کاهش سلامت روانی آنها شود و در نتیجه، به عواقب منفی برای آنها منتهی شود.

۷-۴. رفتارهای نامناسب

رقابت بین کودکان ممکن است باعث بروز رفتارهای نامناسبی شود مانند تقلید از دیگران، تحقیر کردن دیگران، و یا به دست آوردن هدف با هر قیمتی. این رفتارها می‌تواند باعث کاهش احترام و محبت کودکان به یکدیگر شود و در نتیجه، به عواقب منفی برای روابط آنها منجر شود.

۷-۵. کاهش خلاقیت

رقابت بین کودکان ممکن است باعث کاهش خلاقیت آنها شود، به دلیل اینکه آنها به هدف‌هایی که برای برنده شدن در رقابت تعیین شده‌اند، محدود شده و از فعالیت‌های خلاقانه و خودبیشتری خودداری کنند. بنابراین، رقابت بین کودکان می‌تواند باعث بروز مشکلات و معایبی شود که باید در نظر گرفته شوند. برای جلوگیری از این مشکلات، بهتر است که رقابت بین کودکان به صورت سالم و با رعایت قوانین اخلاقی و اجتماعی انجام شود.

۸. اثر (آسیب‌های) تربیتی مقایسه کودکان با یکدیگر

خداوند هر انسانی را منحصر به فرد و برای هدفی خاص آفریده است. در واقع هر انسانی توانایی‌ها و استعداد‌های مختص به خود را دارد و مقایسه افراد با یکدیگر غیراصولی می‌باشد. مقایسه فرزندان با دیگران نیز رفتاری اشتباه در قبال کودکان و تربیت آنان است که نه تنها موجب رشد و شکوفایی کودک نشده، بلکه با اثرات نامطلوبی که به جا می‌گذارد مانع خودشکوفایی کودکان می‌شود. یکی از رایج‌ترین و اشتباه‌ترین باورها و رفتارهایی که در جامعه به عنوان یک روش تربیتی مورد استفاده قرار می‌گیرد، مقایسه کردن فرزندان با دیگران است. متأسفانه اکثر والدین برای اینکه فرزندان خود را تحریک کنند که بیشتر تلاش کنند دست به مقایسه کردن فرزندان با دیگران می‌زنند، در حالی که نمی‌دانند با این رفتار چه آسیب‌هایی به فرزندشان وارد می‌کنند. مقایسه کردن فرزندان با

چه سؤال عجیبی؟! اما جوابت را می‌دهم. پدرم می‌خواست مثل او باشم. عمویم می‌خواست مثل خودش باشم. مادرم می‌خواست من تصویری از شوهر دریاوردش باشم و از او پیروی کنم. برادرم فکر می‌کرد باید مثل او ورزشکار ماهر باشم. استاد فلسفه، موسیقی و منطق هم می‌خواستند، مثل آنها باشم. مصمم بودند که من بازتاب چهره خودشان در آینده باشم. پس من اینجا آمدم؛ چراکه این مکان را سالم‌تر می‌دانم. دست‌کم می‌توانم خودم باشم. سپس ناگهان به طرف من برگشت و گفت: ببینم، راه تو هم به خاطر تحصیلات و مشاوره خوب به اینجا ختم شده؟ پاسخ دادم، نه من بازدیدکننده هستم و او گفت: آه. پس تو یکی از آنهایی هستی که در دیوانه‌خانه آن سوی این دیوار زندگی می‌کنند (جبران، ۱۳۸۳، ص ۱۲۶).

پیام این حکایت آن است که هرگز نباید توانایی‌ها و ناتوانی‌های افراد را با یکدیگر مقایسه کرد؛ زیرا مجموعه عواملی که موجب شکل‌گیری رفتار و شخصیت افراد می‌شود، با دیگران متفاوت است. توصیه می‌شود که حتی کودک را با خواهر، برادر، فرزندان بستگان و دوستانش نیز مقایسه نکنید. کودک غرور و ویژه‌ای دارد و نزد همسالان و کودکان دیگر از آبرو و احترام خاصی برخوردار است. از این‌رو، وقتی شما کودکی را با دیگری مقایسه می‌کنید، در واقع، غرور او را می‌شکنید، به او بی‌احترامی می‌کنید، توانایی‌های او را نادیده می‌گیرید و ناتوانی‌هایش را به منظور تحقیر و سرزنش مطرح می‌کنید و به رخ او می‌کشید (به‌پژوه، ۱۳۹۷، ص ۵۷).

بنابراین، وظیفه پدران و مادران این است که زمینه مناسبی را برای رشد فرزندانشان فراهم آورند و هیچ‌گاه توانایی‌های آنان را بی‌ارزش ندانند، و بیش از توانشان نیز از آنان انتظار نداشته باشند. متأسفانه، بسیاری از والدین آرزوهای بی‌نتیجه خود را در وجود بچه‌های خود پی می‌گیرند و تصور می‌کنند اگر خودشان به هر علت، نتوانستند به پیشرفت‌های تحصیلی و شغلی دست یابند، فرزندانشان حتماً باید این کمبودها را جبران کنند. به همین دلیل، بدون آنکه متوجه باشند، استعدادها و فرزندان خود را سرکوب می‌کنند تا با توسل به زور و جبر آرزوهای خود را برآورده سازند (جوهری، ۱۳۵۶، ص ۵۰).

۱۰. آثار نامطلوب مقایسه کودکان با یکدیگر

فرزندان ما همه با هم متفاوت هستند و والدین باید به این مهم توجه کنند که توانمندی، استعدادها، یادگیری‌ها و رفتار کودکان با هم

دیگران در حقیقت باعث غیرفعال شدن بخش‌هایی از ذهن انسان مانند: خلاقیت، مدیریت، حافظه و... می‌شود که این بخش‌ها تأثیر بسیار زیادی بر رشد و شکوفایی فرزندان دارد. متأسفانه والدین نمی‌دانند که مقایسه کردن فرزندان با دیگران باعث بروز اختلالات روانی، بیماری‌های روحی، افسردگی، پرخاشگری، ناراحتی‌های قلبی و... می‌شوند، همه این موارد به علت فشارها و تنش‌هایی است که ناشی از مقایسه کردن فرزندان با دیگران توسط والدین، به وجود می‌آیند. والدین با مقایسه کردن فرزندان با دیگران در واقع باعث کاهش عزت نفس، کاهش اعتماد به نفس، از بین رفتن خلاقیت و کارایی ذهنی و همچنین باعث از بین رفتن آرامش و امنیت فرزندان می‌شود، در حالی که والدین اولین کسانی هستند که باید حس امنیت و آرامش را به فرزندان منتقل کنند. بنابراین والدین با وجود عشقی که به فرزندان دارند، با مقایسه کردن فرزندان با دیگران، بزرگ‌ترین آسیب را به فرزندان وارد می‌کنند. برای جلوگیری از آسیب‌های روحی و روانی به فرزندان، ابتدا خود والدین باید نحوه صحیح تربیت را یاد بگیرند. در این نوشتار به اثرات این مقایسه و رفتار مناسب جایگزین آن اشاره می‌کنیم.

۹. نقش والدین و مربیان در ایجاد بستر مقایسه کودکان

والدین و مربیان باید همواره به اصل ویژگی‌ها و تفاوت‌های فردی کودکان توجه داشته باشند. بدین معنا که انسان‌ها همان‌گونه که از نظر شکل ظاهری، اجزای صورت و ساختمان بدنی با یکدیگر تفاوت دارند، در استعدادها و درونی و توانایی‌ها نیز با یکدیگر متفاوت هستند. توجه به اصل تفاوت‌های فردی، یکی از سرلوحه‌های اصلی برنامه‌های آموزشی و پرورشی جدید است که می‌تواند راهگشای بسیاری از مسائل مربوط به تعلیم و تربیت باشد.

بدین ترتیب، پدران و مادران در محیط خانه و معلمان و مربیان نیز در محیط‌های آموزشی، باید اصل تفاوت‌های فردی را از یاد نبرند و از مقایسه فرزندان و دانش‌آموزان خود با یکدیگر بپرهیزند. بدیهی است بی‌توجهی در این باره پیامدهای ناگواری را برای متعلمان به همراه دارد.

جبران خلیل جبران، آثار بی‌توجهی به چنین مسئله‌ای را در حکایتی به نام «دیوانه» این‌گونه بیان می‌کند: در باغ دیوانه‌خانه‌ای، جوانی رنگ‌پریده و جذاب و شگفت‌انگیز را دیدم، روی نیمکتی کنار او نشستم و گفتم: چرا اینجا بی‌مرد با تعجب به من نگاه کرد و گفت:

۳) کناره‌گیری از اجتماع

اگر کودک به طور مداوم مورد مقایسه یا تمسخر قرار گیرد، از تعامل با دیگران و حتی همسالان خود، اجتناب می‌کند. بنابراین به مرور تبدیل به فردی منزوی و گوشه‌گیر می‌شود. در منابع دینی، به احادیثی برمی‌خوریم که هر یک به گونه‌ای اهمیت و ارزش مردم‌دوستی را می‌نمایانند و بدان تشویق می‌کنند. از سوی دیگر، مردم‌گریزی، بی‌مهری به هموعان، سر فرو بردن در کار خود و کناره‌گیری از اجتماع نکوهش شده است (علیپور، ۱۳۸۸، ص ۱۰۱).
امیرالمؤمنین علی علیه السلام می‌فرماید: «ناتوان‌ترین مردم کسی است که از یافتن دوست ناتوان باشد و ناتوان‌تر از او کسی است که دوستی به دست آورد و او را از دست بدهد» (جمعی از نویسندگان، ۱۳۹۸، حکمت ۱۲).

۴) سرکوب استعدادها

نداشتن جرئت برای انجام دادن کارهای مهم و اساسی، باعث سرکوب استعداد و توانایی‌های بالقوه و نهفته در درون فرزندان شده و بخش چشمگیری از توانمندی‌های آنان شکوفا نخواهد شد (احمدی، ۱۳۹۱، ص ۲۱). کودکی را در نظر بگیرید که استعداد نقاشی دارد، ولی والدین آن را نادیده گرفته و او را به سمت دیگری مثل شنا سوق می‌دهند و تلاش می‌کنند با مقایسه با دیگران به او انگیزه بدهند. در چنین موقعیت کودک دچار تعارض می‌شود؛ زیرا ممکن است برای جلب نظر والدین استعداد نادیده‌انگاشته خود را سرکوب کند و با بی‌میلی شنا را ادامه دهد و در این زمینه هم موفقیتی کسب نکند.

۵) کاهش دغدغه‌مندی

اگر استعدادها یا موفقیت‌های کودک به طور مداوم نادیده گرفته شود، ممکن است او دیگر حتی زحمت نکشد که توجه والدین را جلب کند؛ زیرا والدین به وضوح کودک دیگری را که موفقیت‌های «مناسب‌تری» به او ترجیح می‌دهند. در نتیجه تبدیل به فردی بی‌دغدغه می‌شود که برای حل مسائل و پذیرش مسئولیت‌های زندگی تلاشی نمی‌کند.

۶) فاصله گرفتن از والدین

واضح است که اگر کودک نسبت به خواهر و برادر، پسر عمو، دوستان یا همسایگان مرتباً مقایسه شود، آشکارا نتیجه می‌گیرد که

متفاوت است. فرض کنید در باغچه منزل شما هم درخت سیب وجود دارد و هم درخت گلابی، هر دو درخت نیاز به نور، آب، زمین خوب و کود دارند، اما در نهایت میوه‌ای که به دست می‌آید با هم متفاوت است (جعفری گلستان، ۱۳۹۶، ص ۱۵). مقایسه کردن برای هر شخصی نابودکننده است. این برای کودکان تحقیرکننده است. کودکان بسیار حساس و لطیف هستند و در صورت انتقادهای منفی، عملکرد خوبی ندارند. اگر این انتقادهای به آنها بگوید که دیگران بهتر از آنها هستند این بسیار دردناک است. این به این معنا نیست که ما نباید اشتباه‌های آنها را به رویشان بیاوریم، اما پیشروی از این مرحله بسیار مخرب است. برخی از آثار نامطلوب مقایسه کودکان با یکدیگر عبارتند از:

۱) ایجاد استرس

استرس در کودکان مجموعه عوامل بسیار ظریفی است که منشأ آن فشار است و شناخت آن مستلزم دقت فراوان است (بانک جامع اطلاعات پزشکی واحد تحقیقات مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان، ۱۳۹۰، ص ۱۱۱۹۲). اگر کودک به طور مرتب مقایسه شود، احساس فشار می‌کند. سپس تلاش می‌کند والدین خود را راضی کند، عدم توانایی در انجام این کار می‌تواند او را مضطرب کند. در دنیای امروز استرس، فقط و فقط به فشارهای عصبی و روحی فرد گفته نمی‌شود، بلکه دامنه وسیع‌تری از فردیت را دربر می‌گیرد (مدیریت استرس، مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان، ۱۳۹۰، ص ۲۰۰).

۲) کاهش عزت نفس و احساس ارزشمندی

وقتی والدین شروع به مقایسه می‌کنند، کودک باور می‌کند که دیگران از او بهتر هستند. در نتیجه با خود می‌گوید: من عملکرد خوبی ندارم. نمی‌توانم انتظارات والدینم را برآورده کنم پس من پسر / دختر دوست‌داشتنی و ارزشمندی نیستم. من به اندازه کافی خوب نیستم. این احساس برای رشد شخصی و تحصیلی کودک بسیار مخرب است. با توجه به تحقیقات انجام‌شده، ضروری است که در مورد رابطه عوامل مختلف با عزت نفس، بخصوص والدین توجه کافی بشود؛ زیرا محیط خانواده اولین و بادوام‌ترین عاملی است که در رشد شخصیت افراد تأثیر می‌گذارد. خانواده یکی از عوامل اساسی شکل‌گیری شخصیت کودک و اولین بذر تکوین رشد فردی و به اساس بنای شخصیت آدمی است (حق‌بیان و راه‌چمنی، ۱۳۹۱، ص ۳۱۳).

برای دیگران فردی غیرقابل قبول است و همه از او ناراضی هستند. در نتیجه دیگران منبع آزار او می‌شوند و او سعی می‌کند فاصله خود را با آنها حفظ کند. بنابراین ممکن است کودک، احساس ناامنی کند و اعتماد خود را از دست دهد. در نتیجه در دوران نوجوانی و بلوغ، مشکلات رفتاری و ناسازگاری‌های بیشتری را تجربه خواهید کرد.

۷) عدم اعتماد به نفس

اعتماد به نفس از اصلی‌ترین عوامل رشد مطلوب شخصیت انسان محسوب می‌شود و از جمله مفاهیمی است که مورد توجه پژوهشگران و صاحب‌نظران روان‌شناسی و علوم تربیتی قرار گرفته است (دانشمند، ۱۳۹۱، ص ۶۶). اگر شخصی به ما بگوید که ما در انجام کاری خوب نیستیم و دیگری هستیم که آن را بهتر انجام می‌دهند به طور آرام و پایداری عدم اعتماد به نفس در ما شکل می‌گیرد. کودکان نیز اگر به حد کافی خوب باشند، دیگر سرگردان نخواهند بود.

۸) بروز حسادت

وقتی والدین فرزندان خود را با یک شخص کامل که در حال حاضر جلوی چشم اوست، مقایسه می‌کنند فرزند ممکن است از شدت حسادت رنج ببرد که این می‌تواند بچه همسایه باشد، یک همکلاسی یا حتی پسرخاله‌اش. حسادت یک احساس خوب که در وجود انسان ریشه بدو اند نیست و کودکی که از حسادت عذاب می‌کشد می‌تواند باعث بروز تنفر و حتی پرخاشگری شود.

برتراند راسل در این باره می‌نویسد: جلوگیری از ایجاد حسادت بین اطفال، کار مشکلی نیست؛ چه، والدین یا کسانی که عهده‌دار تربیت و نگهداری کودکان می‌باشند، با اندک بردباری در رفتارهایشان، می‌توانند مانع از بروز حسادت بین کودکان گردند.

برای جلوگیری از حسادت در میان کودکان، طریق مناسب آن است که بین کودکان، عدالت کامل برقرار شود و در تقسیم بازیچه‌ها، بین آنان به عدالت رفتار شود و نیز توجه بزرگ‌ترها به کودکان، یکسان باشد.

هنگامی که کودک تازه‌ای در خانواده متولد می‌شود، این وظیفه والدین است که به کودکان دیگر تفهیم کنند که وجود این کودک تازه‌وارد، به هیچ وجه از اهمیت آنها نمی‌کاهد و آنها همان قدر ارزشمند بوده‌اند که اکنون نیز می‌باشند (راسل، ۱۳۵۹، ص ۱۸۷).

۹) منفی‌گرایی

مقایسه کردن در زمانی که شخصیت کودکان در حال شکل‌گیری است می‌تواند موجب منفی‌گرایی در او شود. حتی اگر تلاش هم کنیم نمی‌توانیم حجم این منفی‌گرایی در او را حدس بزنیم. کودک به جای اینکه وظایف جدید و چالش‌های پیش‌رویش را با روحیه مثبت بپذیرد، پذیرش خود و نتایج کارهایی که انجام می‌دهد منفی خواهد بود. تمامی والدین می‌خواهند روحیه مثبت‌گرایی را در کودکان پرورش دهند تا باعث شادی او آنها شوند.

۱۰) تخریب رابطه والدین فرزندی

اگر والدین به فرزند خود بگویند که بچه همسایه بهتر از اوست، او به تدریج شروع به تحقیر آنها می‌کند. بچه‌ها از لحاظ احساسی آسیب‌پذیر هستند. آنها ممکن است که قادر نباشند که داستان پشت پرده را ببینند و نگرانی والدین درباره خودشان را درک کنند. به جایش فکر می‌کنند که والدینشان مخالف آنها هستند.

۱۱) آینده بزرگسالانی همراه با عصبانیت و تندخویی

والدینی که به راحتی فرزندانشان را مقایسه می‌کنند، باعث می‌شوند فرزندانشان عصبی و تندخو باشند. کودکان ممکن است به طرز افراطی سعی در راضی نگه داشتن والدینشان باشند و بعد از مدتی احساس کنند نمی‌توانند انتظارات والدینشان را برآورده کنند و اعتماد به نفس و استقلالشان را از دست بدهند. تندخویی نوعی از جنون است؛ زیرا شخص تندخو از کار خود پشیمان می‌گردد و اگر ندامتی حاصل نکرده پس جنون او مستحکم [همیشگی] است. انسان در هنگامی که در حالتی است که خشم و غضب بر او حاکم شده است قوای عقلانی او غیرفعال می‌گردد و احساس خشم و غضب بر نیروی عقلی او چیره گشته و در این حالت تصمیمات و کارهایی که انجام می‌گیرد کاملاً اشتباه و یا ضریب خطا و اشتباه آن بسیار زیاد است، به گونه‌ای پس از گذشت زمانی این اشتباهات آشکار شده و فرد دچار پشیمانی و ندامت می‌گردد. بنابراین تشبیه به جنون شده که خرد در آن وجود ندارد و خردمند در هنگام خشم تصمیمی نمی‌گیرد و اقدام و عملی انجام نمی‌دهد (حسینی، ۱۳۹۱، ص ۱۴۳).

۱۲) افزایش رقابت بین خواهر و برادرها

مطالعه‌ای نشان می‌دهد که والدین باید مراقب مقایسه فرزندان خود

بسیار دردناک است. این به این معنا نیست که ما نباید اشتباه‌های آنها را به رویشان بیاوریم، اما پیشروی از این مرحله بسیار مخرب است و ممکن است آثار نامطلوب بسیاری به همراه داشته باشد.

منابع

- قرآن کریم.
- ابن منظور، محمدبن مکرّم (۱۴۰۸ق). *لسان العرب*. قم: ادب الحوزه.
- احمدی، محمدرضا (۱۳۹۱). *سبک‌های ارتباطی والدین با فرزندان*. مشهد: آستان قدس رضوی.
- بانک جامع اطلاعات پزشکی واحد تحقیقات مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان (۱۳۹۰). www.ghbook.ir
- به‌پژوه، احمد (۱۳۹۷). *اصول برقراری رابطه انسانی با کودک و نوجوان*. تهران: دانژه.
- جبران، خلیل جبران (۱۳۸۳). *باغ پیامبر و سرگردان*. ترجمه آرش حجازی. چ دوم. تهران: کاروان.
- جعفری گلستان، بتول (۱۳۹۶). *روانشناسی کودک*. چ دوم. قم: نوید حکمت.
- جمعی از نویسندگان (۱۳۹۸). *حکمت‌های نهج البلاغه*. اصفهان: کتابخانه دیجیتال قائمیه.
- جوهری، شکیباسادات (۱۳۵۶). *گفتارهایی در رابطه با روابط والدین با فرزندان*. قم: دفتر عقل.
- جهانگرد، یدالله (۱۳۷۹). *نحوه رفتار والدین با فرزندان*. چ ششم. تهران: انجمن اولیا و مربیان.
- حراعلی، محمدبن حسن (۱۴۱۲ق). *وسائل الشیعه*. چ پانزدهم. قم: آل‌البیت.
- حسینی، سیدحسین (۱۳۹۰). *خرد و خردمندی از دیدگاه نهج البلاغه*. قم: زائر.
- حق‌بیان، سیدمحمدجواد و راه‌چمنی، سیدابوالفضل (۱۳۹۱). *مدیریت رفتار*. اصفهان: مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان.
- دانشمند، مهدی (۱۳۹۱). *تربیت خانواده و سبک اسلامی*. اصفهان: مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه.
- راسل، برتراند (۱۳۵۹). *زناشویی و اخلاق*. ترجمه مهدی افشاری. تهران: کلوبان.
- سقلاطونی، مریم (۱۳۹۱). *به رنگ زندگی: زیرنویس‌ها و پیام‌های کوتاه: ویژه زن و خانواده*. قم: مرکز پژوهش‌های صدا و سیما.
- شجاعی، محمدصادق (۱۳۸۳). *بازی کودک در اسلام*. قم: مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما.
- علیپور، زهرا (۱۳۸۸). *اخلاق زندگی ۱*. قم: مرکز پژوهش‌های صدا و سیما.
- فرهادیان، رضا (۱۳۷۸). *خانواده و تحول در تربیت*. قم: مسجد جمکران.
- فلافل، جان اچ (۱۳۷۴). *روانشناسی شناختی*. ترجمه فرهاد ماهر، تهران: جوانه رشد.
- قمی، شیخ عباس (۱۴۱۶ق). *سفینه البحار*. تهران: اسوه.
- گادسون، هید جرارد و ای شافر، چارل (۱۳۹۳). *۱۰۱ تکنیک بازی درمانی*. ترجمه الهه محمداسماعیل. تهران: ارسباران.
- مدیریت استرس (۱۳۹۱). اصفهان: مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه.
- مروچی، مهدی (۱۳۹۵). *کودک و بازی: آموزش پیش دبستانی*. ۱۸-۱۷، ۲۳-۲۲.
- معین، محمد (۱۳۶۰). *فرهنگ معین*. تهران: امیرکبیر.

با یکدیگر باشند. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که باورهای والدین در مورد فرزندان، ممکن است بر رشد آنها تأثیر بگذارد. برای والدین سخت است که تفاوت‌های بین فرزندان خود را متوجه شوند یا به آنها فکر کنند، این امری طبیعی است. اما برای کمک به موفقیت همه کودکان، والدین باید به جای مقایسه بر شناخت نقاط قوت هر یک از فرزندان خود متمرکز شوند.

محبت به کودک سبب تقویت احساس بالندگی و رشد کودک می‌شود. با هر بار لبخند زدن پدر و مادر به فرزند، فرزند درمی‌یابد که به او اهمیت می‌دهند. بدین ترتیب، کودک در دوره خردسالی، اعتماد به نفس می‌یابد (سقلاطونی، ۱۳۹۱، ص ۵۱). والدین هنگامی که به جای تمجید ویژگی‌های منحصر به فرد هر یک از فرزندان، شروع به مقایسه می‌کنند، ممکن است فرزند آنان مخفیانه، شروع به نفرت از خواهر و برادر خود کند. این ممکن است او را به سمت رفتار پرخاشگرانه، دعوا و حتی ضرب و جرح یکدیگر سوق دهد. در نتیجه دعوای خواهر و برادری شروع شود. همچنین در حال انتقال این پیام هستند که کودکی دوست‌داشتنی‌تر است که کارها را بهتر انجام دهد و این موفقیت بچه‌هاست که آنها را محبوب می‌کند، نه صرف وجود آنها. در نتیجه، ممکن است کودک شروع به تحقیر و سرزنش خودش کند.

نتیجه‌گیری

مسابقه و رقابت در شرایط درست به کودکان کمک می‌کند تا توانایی‌های خود را بهتر بشناسند، توانایی‌هایی که در طول زندگی مطمئناً کاربرد زیادی دارد. بازی‌های رقابتی کودکان با وجود تمام مزایای آن با چالش‌ها و مشکلاتی هم ممکن است همراه باشد. رقابت ممکن است باعث تنش شود و عدم تناسب مهارت کودک با سطح بازی ممکن است بر اعتماد به نفس او تأثیر منفی بگذارد و او را بی‌علاقه کند. بازی‌های رقابتی می‌تواند در تقویت جسمانی کودکان و مهارت‌های اجتماعی آنها مؤثر باشد. باید توجه شود که رقابت در بازی به طور سالم مدیریت شود و از ایجاد روابط خصمانه در بین همسالان جلوگیری شود، اما این رقابت نباید منجر به مقایسه بین کودکان شود؛ زیرا می‌تواند آسیب‌های جبران‌ناپذیری بر رشد، شخصیت اجتماعی و تربیت کودک در آینده وارد نماید. مقایسه کردن برای هر شخصی نابودکننده است و برای کودکان تحقیرکننده است. کودکان بسیار حساس و لطیف هستند و در صورت انتقادهای منفی عملکرد خوبی ندارند. اگر این انتقادهای به آنها بگوید که دیگران بهتر از آنها هستند این